

پیکار پامیر

## دیار من

الهی ای دیار من ، بهشت جاودان باشی  
سر افراز زمان باشی؛ گلِ باغِ جهان باشی  
نگویم ای دیار من که عالم را شوی "رهبر"  
ولی گویم که مهر تا بناکِ خا و ران باشی  
اگرچه ای عزیز من! کنون در بند او هامی  
دعاگویم ز بند آیی برون تا جانِ جان باشی  
به پیش دوستانت غنچه ی رنگ و امید ، اما  
به چشم دشمنانت خنجر و تیغ و سنان باشی  
به بازی می مکد خون ترا بازیگر دو ران  
مگر فردا چو خار اندر بر بازیگران باش  
عداوت ها بود چون آتش سوزنده بر جانت  
الهی ز آتش سوزنده دایم در امان باشی  
یقینم شد کزان آشفته گیها میرهی آخر؛  
و آنکه، گلبنِ زبینه در باغ جنان باشی  
بمیرد از غمت (پیکار) اگر بیند که ای میهن!  
به پیش خیل گرگان ات هنوز هم نا توان باشی.

[www.goftaman.com](http://www.goftaman.com)

ماه سپتمبر 2011 م